

یهودیت و الهیات جهانی*

دن کوهن شربوک

رضا گندمی

اشاره:

دن کوهن شربوک در این مقاله به دیدگاه شمول‌گرایانه تنی چند از الهیدانان یهودی اشاره می‌کند و سپس با توجه به مشکلات و نیز تناقض‌های احتمالی این دیدگاه، بر ضرورت تدوین یک الهیات یهودی ناظر به تمام ادیان تأکید می‌کند. او مقاله «یهودیت و الهیات جهانی» را سرآغاز چنین کوششی می‌داند. به نظر شربوک، یهودیت در دوره‌های حاکمیت کتاب مقدس به رغم جهت‌گیری انحصارگرایانه، برای عقاید و اعمال اقوام دیگر احترام قائل بود. حاخام‌های قرون وسطا نیز چنین نگرش سهل‌گیرانه و روامدارانه به پیروان دیگر ادیان داشتند. از نظر نویسنده، امروزه چیزی بیش از رویکرد توأم با سعه صدر به ادیان جهان لازم است و باید در برداشت ما از دین، انقلاب کوپرنیکی صورت گیرد. شربوک با اشاره به دیدگاه کثرت‌گرایانه جان هیک و پل نیتزر، ضرورت تغییر نگرش یهودیان از شمول‌گرایی به تکثرگرایی را یادآور می‌شود. از نظر او، ورای جلوه‌های دینی متعدد واقعیتی غایی وجود دارد. اختلاف‌های عقیدتی معلول عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است که در پس این عقاید قرار دارند. از نظر شربوک، برجسته‌ترین حوزه‌ای که کثرت‌گرایان یهودی می‌توانند در آن با پیروان ادیان دیگر در موقعیتی جهانی قرار گیرند، حوزه دعا و نیایش است.

* این نوشته ترجمه‌ای است از:

در جهان جدید با وجود ادیان بسیار، توجه روزافزونی به برقراری ارتباط میان ادیان جهان شده است، اما در یهودیت تنها چند متفکر به جد به مسئلهٔ تکثرگرایی دینی پرداخته‌اند. بحثی که لوئیس جیکبز،^۱ الهیدان یهودی، در کتاب الهیات یهودی مطرح کرده استثنای درخور توجهی بر این غفلت همگانی است. او در فصلی با عنوان «یهودیت و ادیان دیگر» تأکید می‌کند که یهودیت همواره از این نظر حمایت کرده است که تنها یک خدا وجود دارد و این‌که هیچ سنت دینی دیگری نمی‌تواند جای تورات را بگیرد. او معتقد است چنین عقیده‌ای یهودیان را به اظهار این مطلب واداشت که چنانچه عقاید ادیان دیگر با ایمان یهودی در تعارض باشند، بر خطا خواهند بود.

ادیان خاور دور یا چند خدایی اند یا الحادی. از دیدگاه یهودیان، برداشت مسیحیان از خدا خطاست. همین‌طور یهودیت انکار می‌کند که محمد(ص) از طرف خدا وحی دریافت کرده باشد و با آوردن قرآن به جای تورات آخرین پیامبر خدا باشد (جیکبز ۱۹۷۳، ۲۸۹).

اما به‌رغم چنین موضع انعطاف‌ناپذیر و عاری از تسامحی، اشتباه خواهد بود اگر یهودیان نتیجه بگیرند که خدا خود را بر دیگران متجلی نساخته یا ادیان دیگر هیچ بهره‌ای از حقیقت ندارند، بلکه به عکس او می‌گویند که یک فرد یهودی باید این موضع را اتخاذ کند که حقیقت در یهودیت بیشتر از سایر ادیان است. مقالهٔ دیگری را دیوید هارتمان،^۲ الهیدان یهودی اسرائیلی، دربارهٔ این موضوع نوشته است. او در مقالهٔ «دربارهٔ امکانات تکثرگرایی دینی از دیدگاه یک یهودی»^۳ می‌گوید کتاب مقدس حاوی دو عهد و میثاق^۴ است: یکی عهد مربوط به خلقت و دو دیگر عهد مربوط به سینا. عهد خلقت با تمام انسان‌ها بسته شد؛ به عبارت دیگر، همگانی و برای همهٔ نسل‌هاست. اما عهد سینا با بنی اسرائیل بسته شد؛ عهد سینا مشابه عهد خلقت است، و تمام جوامع دیگر را در بر می‌گیرد. هارتمان بر اساس این طرح استدلال می‌کند خدا خودش را در چندین مقطع از تاریخ بر گروه‌هایی از اقوام مختلف متجلی ساخته است. او در کتاب جدیدش به نام مکاشفه‌های متضاد^۵ تأکید می‌کند که تجلی در تاریخ همواره جزئی و ناقص است؛ زیرا مواجهه‌های الهی - انسانی نمی‌توانند کمال^۶ خدا را نشان دهند.

1. Louis Jacobs

2. David Hartman

3. "On the Possibilities of Religious Pluralism from a Jewish Point of View"

4. covenant

5. *Conflicting Visions*

6. Plenitude

نورمن سالمن،^۱ دانشمند ارتدکس بریتانیایی، همین اواخر موضوع تکثرگرایی دینی را در کتاب یهودیت و دین جهانی^۲ مورد بحث قرار داده است. او در فصلی با عنوان «تکثر ادیان» ادعا می‌کند که یهودیت دینی است با رسالتی برای تمام اقوام. او می‌گوید که در دوره‌های ایذا و شکنجه از این هدف جهانی غفلت شد، اما هرگز از بین نرفت. در دوران ناسخوشایند، آن هدف کلی بر رسالت مسیحایی متمرکز شد و در عصر دانش و روشنفکری در تلاش یهودیان برای اصلاح بشر تبلور یافت. در راستای این هدف، «عهد نوح» (آن‌گونه که در هفت قانون نوح بیان شده) طرح و الگویی برای یافتن دیگران مطرح می‌کند، بی آن‌که نیازی به تغییر آیین آنها به یهودیت باشد. در عوض، اعتقاد به اصول والای عدالت و اخلاق از آنان تقاضا شده است. در چنین شرایطی، گفت‌وگوی ادیان ضرورتی است که از رسالت مشترک ما با ادیان دیگر ناشی می‌شود.

به‌رغم مقالاتی که اخیراً در این باب نوشته شده، تدوین یک الهیات یهودی فراگیر و ناظر به ادیان دیگر نیاز مبرم است. این مقاله در نظر دارد سرآغاز چنین تلاشی باشد. کتاب مقدس عبری سرآغاز آشکاری برای تدوین چنین الهیات یهودی ناظر به پلورالیزم دینی است. یهودیت در دوره‌های حاکمیت کتاب مقدس اساساً از نظر جهت‌گیری^۳ انحصارگرا بود، با این حال اقوام کافر را به خاطر عقاید و اعمالشان طرد و تخطئه نمی‌کرد. افزون بر این‌که، پیامبران بنی اسرائیل معتقد بودند که همه اقوام در آخرالزمان پروردگار خلقت را عبادت خواهند کرد. در طول دوره حاخامی، دیدگاه مربوط به تسامح فراگیر، پیوسته به زندگی یهودی جان تازه‌ای می‌بخشید. طبق گفته حاخام‌ها، اگر تمام غیریهودیان از قوانین ابلاغ‌شده به نوح تبعیت کنند، نزد خدا پذیرفته خواهند شد. تعدادی از حاخام‌های قرون وسطایی هنوز به این سنت پایبندند و در دوره جدید به طور روزافزونی به درستی و اصالت ادیان دیگر، به ویژه مسیحیت، اذعان شده است. تقریباً در همه موارد متفکران یهودی از صورت‌های متنوع شمول‌گرایی حمایت کردند، زیرا به زعم آنها، اگرچه یهودیت دینی برتر است، دیگر سنت‌ها نیز از حقایق دینی برخوردارند. تقریباً به مدت چهارهزار سال (هزاره) یهودیت به طرق مختلفی از دیدگاهی سهل‌گیرانه و فراگیر نسبت به ادیان دیگر حمایت کرده است.

با توجه به این نگرش بسیار سهل‌گیرانه یهودیت نسبت به سایر ادیان، آیا یهودیان باید از این هم فراتر رفته، سعه صدر بیشتری از خود نشان دهند؟ مشکلی که دیدگاه شمول‌گرایی یهودیت از دوران اولیه با آن مواجه بود، شماری از مشکلات الهیاتی جدی‌ای است که با آنها دست به‌گریبان است. شمول‌گرایان یهودی ظاهراً بر دو عقیده ناسازگار ذیل تأکید می‌ورزند: اعتقاد به خدایی که نگران جهانیان است و نیز این عقیده که او خودش را به طور قطع تنها بر یک گروه خاص متجلی کرده است. با این وصف، اگر خدا حقیقتاً به سرنوشت تمام بشر تعلق خاطر دارد، تصور نکردنی است که او خودش را کاملاً و به طور قطع بر قوم خاصی مکشوف سازد و اجازه دهد بقیه انسان‌ها در تاریکی و جهل بسر برند.

مسلماً آنچه امروزه مورد نیاز است، رویکردی به مراتب پذیراتر و توأم با سعه صدر نسبت به ادیان جهان است با استفاده از الگوی جان هیک، الاهدان پروتستان، برای جهان ادیان، باید بگوییم امروزه در برداشت ما از دین یک انقلاب کوپرنیکی لازم است. در گذشته، حتی لیبرال‌ترین متفکران یهودی این عقیده را به خاطر داشتند که یهودیت کامل‌ترین تجلی الوهی است. آنها در عین حال که به ارزش ذاتی ادیان دیگر، خاصه مسیحیت، اذعان داشتند، معتقد بودند که یهودیت امید آینده بشریت است. این متفکران به دانشمندانی می‌مانند که قبلاً از نظریه بطلمیوس درباره جهان حمایت می‌کردند، دیدگاهی که بر اساس آن زمین در مرکز جهان قرار داشت.

به هر حال، در جهان امروز یهودیان پیوسته با پیروان سنت‌های دینی دیگر در ارتباطند، از این‌رو، مشکل بتوان چنین عقیده بسته و تنگ‌نظرانه‌ای را تحمل کرد. در عوض، در حال حاضر لازم است که انقلابی کوپرنیکی در فهم ما از جهان ادیان رخ دهد. به جای این‌که یهودیت را در مرکز ادیان جهان بنشانیم، باید الگوی الهیات محوری را بپذیریم؛ به عبارت دیگر، چنین تحولی مستلزم ارائه الگویی است که برداشت یهودمحوری را با برداشت خدامداری در تاریخ دینی جابجا کند. بر این اساس، ادیان جهان باید واکنش‌های مختلف انسان به یک واقعیت الوهی تلقی شوند. در دوران سابق، ادیان این واقعیت واحد را یا به طور خدا‌باورانه - به عنوان خدای مشخص - یا غیرخدا‌باورانه - به عنوان واقعیت نامتشخص - تصدیق می‌کردند، اما چنین اختلاف‌هایی در اصل، نتیجه تأثیرات تاریخی، فرهنگی یا روان‌شناختی بود.

بر پایه این نظریه، ورای تمام جلوه‌های دینی، یک واقعیت غایی وجود دارد. طبق واژگان عرفانی یهودیت، پروردگار این‌سوف^۱ نامتناهی در ورای فهم بشر است. این پروردگار واقعیت سرمدی‌ای است که الهام‌بخش همه ادیان از جمله یهودیت است. این واقعیت غایی به وجوه گوناگونی تعبیر می‌شود و این تعابیر و تفاسیر مختلف از یک واقعیت به ناچار سبب تنوع برداشت‌های متعارض و متفاوت می‌شود.

با تصور راه‌های بدیل و متفاوتی که به یک کوه ختم می‌شود، به خوبی می‌توان دیدگاه کثرت‌گرایانه را درباره ارتباط خدا با ادیان جهان به تصویر کشید؛ هر راهی نماد یک دین خاص است همراه با واقعیت الوهی‌ای که مثل ابری در بالای قله آن کوه در حرکت است. مسیرهای این جوامع دینی کاملاً متفاوت است، با این وصف، در نقاط مختلفی با هم تلاقی می‌کنند؛ این نقاط تلاقی را باید قلمروهایی دانست که در آنها مفاهیم دینی در سنت‌های مختلف یکدیگر را تکمیل می‌کند. بدین ترتیب، وقتی پیروان ادیان مختلف به نوک قله صعود کنند، با سنت‌هایی مشابه با سنت خاص خودشان مواجه خواهند شد. اما واقعیت الوهی‌ای که آنان به دنبال آن هستند، سرانجام با این کاوش‌های محدود دست‌یافتنی نیست. واقعیت الوهی به دلیل نامتناهی بودنش غیرقابل شناخت و غیرقابل درک، و به تعبیری همان ابر ناشناختنی است.

این نمونه کثرت‌گرایانه تلویحاً می‌رساند که تصورات ادیان جهان از خدا در نهایت تصورات انسانی است. به عبارت دیگر، آنها راه‌های بی‌شمار تقرب‌جستن به واقعیتی الوهی و غیرقابل توصیف را به نمایش می‌گذارند. اختلاف‌های عقیدتی (نظیر اعتقاد یهودی - مسیحی به وجود یک زندگی در این دنیا در مقابل نظریه تناسخ آیین هندو)، بیانگر اختلاف عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی‌ای است که در پس این عقاید قرار دارد. این معیار کثرت‌گرایانه نه تنها مبنای نظری قابل فهم‌تری برای درک اختلاف‌های میان نظام‌های دینی پیشنهاد می‌کند، که مجال گسترده‌تری برای مواجهه درون دینی فراهم می‌آورد. شمول‌گرایان یهودی در گذشته این فرض را مطرح کردند که یهودیت حقیقت مطلق خدا را، که ادیان دیگر تنها بهره‌ای از آن دارند، آشکار می‌سازد. پلورالیزم یهودی در مقابل این فرض، یهودیان را به گفت‌وگوی مفید و ثمربخش با پیروان سایر ادیان تشویق می‌کند.

این نمونه کثرت‌گرایانه جدید بیشتر برداشت فعلی ما را از جهان نشان می‌دهد؛ بر پایه این برداشت هیچ حقیقت ثابتی وجود ندارد، بلکه دعای صدق به واسطه ماهیتشان باید به روی دیدگاه‌های دیگر گشوده بماند. آنها خودشان را از طریق غلبه بر نظام‌های اعتقادی دیگر اثبات نمی‌کنند، بلکه از طریق آزمودن سازگاریشان با حقایق دیگر. چنین برداشتی درباره حقیقت نسبی، جهت‌گیری جدید را در فهم ما از حقیقت دینی پیشنهاد می‌کند. بر اساس این نظریه، حقیقت دینی ایستا و ثابت نیست، بلکه دستخوش تحول و تأثیر متقابل دائمی است.

این نمونه از حقیقت ارتباطی^۱ به هر دینی اجازه می‌دهد تا منحصر به فرد باشد؛ یعنی حقیقتی که آن دین دربردارد فقط برای پیروان همان دین مهم است. اما این حرف به طور کلی درست نیست. حقیقت دینی تنها با آن دسته از کسانی که بر آن صحنه می‌گذارند مربوط است. از این رو، یهودیت آن‌گونه که شماری از شمول‌گرایان قبلی یهودی می‌گفتند یگانه‌دین حقیقی برای تمام بشر نیست، بلکه تنها برای قوم یهود حقیقی است. ممکن است اعتراض شود که چنین برداشت نسبی‌گرایانه از حقیقت دینی ناگزیر از میزان التزام و تعهد شخصی یک فرد به عنوان یک یهودی خواهد کاست. به هر حال، انسان می‌تواند کاملاً ملتزم به یهودیت باشد و در عین حال واقعاً نسبت به ادیان دیگر سعه صدر داشته باشد. پل نیتز،^۲ متکلم امریکایی، می‌گوید انسان در اظهار محبت به همسرش هیچ نوع ادعای کلی نمی‌کند:

انسان می‌تواند کاملاً و صادقانه به همسرش متعهد باشد، حتی اگر بداند اشخاص دیگری هم در این جهان وجود دارند که به همان‌سان خوب، عاقل و زیبا هستند؛ آری حتی هنگامی که با چنین اشخاصی آشنا می‌شود و از ارتباط با آنها لذت می‌برد. انحصار مطلق در مقام نظر یا عمل در هیچ عهد و پیمانی نه صادقانه است نه درست... (نیتز ۱۹۸۵، ۲۰۱).

به علاوه نیتز می‌گوید انسان با تعهد عمیق‌تر به همسرش و ایمان محکم‌تر به ازدواج، حقیقت و زیبایی دیگران را بیشتر ارج می‌نهد. همین‌طور التزام عمیق‌تر انسان به یهودیت، باعث می‌شود که او سعه صدر بیشتری به سایر ادیان روا دارد.

بدین ترتیب، موضع اعتقادی^۱ یک کثرت‌گرا هم قطعی است و هم توأم با سعه صدر؛ یعنی یهودیان را قادر می‌سازد تا بی‌نظیر بودن دین خود را تصدیق کنند و در عین حال آنان را وامی‌دارد تا اعتبار سایر ادیان را تصدیق کنند. شمول‌گرایی یهودی، با توجه به تأکیدی که بر کامل بودن و خاتمیت دارد، با آنچه در عرصه تنوع دینی تجربه شده منطبق و مناسب نیست. به جای برداشت یهودی‌محور از فعالیت خدا، واقعیت الوهی باید در مرکز جهان ادیان قرار گیرد. در چنین شرایطی، یهودیت را می‌توان یک جلوه دینی حقیقی و اصیل دانست. پس در اینجا مبنای جدیدی برای مواجهه مثبت و هماهنگی ادیان وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر یهودیان بتوانند خودشان را از موضع مطلق‌گرایانه که دعاوی را واجد حقیقت مطلق و غایی می‌داند رها کنند، در این صورت راهی برای جلوه‌ای جدید و بنیادی از گفت‌وگوی یهودیت با سایر ادیان جهان گشوده می‌شود.

تدوین الهیاتی که ناظر به پلورالیزم یهودی باشد، به دو پیش شرط بستگی دارد. نخست متکلمان یهودی باید افزون بر دین خودشان با ادیان دیگر نیز آشنا شوند. پلورالیزم یهودی نیازمند متفکرانی است که آنچه را ادیان جهان تجربه کرده‌اند و درباره ماهیت واقعیت الوهی، پدیده تجربه دینی، ماهیت نفس، مسئله وضعیت انسان و ارزش جهان گفته‌اند، تفسیر کنند. دوم، متکلمان یهودی باید تلاش کنند تا به بهترین وجه ممکن، علاوه بر تجربه‌های دینی پیروان ادیان دیگر به جهان افکار آنان نیز وارد شوند. این کار تنها از طریق مشارکت فعال در نحوه زندگی آنها می‌تواند عملی شود. بنابراین متکلمان یهودی باید به درون سنت‌های دیگر وارد شوند و بینش‌های به دست آمده را با برداشت دینی خودشان ربط دهند. چنین تأمل الهیاتی مستلزم نوعی آگاهی چندبعدی، میان‌فرهنگی و درون‌دینی است.

پلورالیزم یهودی بیشترین سازگاری را با چنین رویکرد چندبعدی‌ای دارد که در آن همه ادیان متقابلاً با اهمیت تلقی می‌شوند. پلورالیزم یهودی، با این فرض که به دنبال یک دیدگاه جهانی است، باید بر تلاش الهیاتی‌ای که در ترجمه متون دینی دیده می‌شود، تأکید کند. این کار مستلزم مواجهه دینی‌ای است که در آن یهودیان با پیروان سایر ادیان، که دعاوی صدق کاملاً متفاوتی دارند، روبه‌رو شوند. چنین افرادی می‌توانند به متفکران یهودی کمک کنند تا پیش‌فرض‌ها و اصول اساسی خودشان را کشف کنند. در این فرایند

طرف یهودی باید بتواند محدودیت‌های سنت خودش را بشناسد و در نتیجه تلاش آگاهانه‌ای به منظور کشف دیدگاه‌های مشترک با ادیان دیگر صورت دهد.

با توجه به تغییر نگرش از شمول‌گرایی یهودی به تکثرگرایی یهودی، اکنون در عمیق‌ترین سطح راه برای مواجهه درون‌دینی باز است. برجسته‌ترین حوزه‌ای که پلورالیست‌های یهودی می‌توانند در آن با پیروان ادیان دیگر در وضعیتی جهانی قرار گیرند، حوزه دعا و نیایش است. دیگر نباید یهودیان تصور کنند که باید از حضور در مراسم عبادی ادیان دیگر یا مشارکت در عبادت مشترک دوری گزینند، بلکه در یک دیدگاه پلورالیستی همه ادیانی که به عنوان راه‌های معتبر برای رسیدن به واقعیت غایی شناخته شده‌اند، پیروان همه ادیان جهان از جمله یهودیان را به فعالیت‌های دینی مشترک ترغیب می‌کنند. مهم در این خصوص تفکیک و تمایز سه نوع اصلی عبادت بین دینی است.

۱. مراسم جوامع دینی خاص که در آن پیروان ادیان دیگر به عنوان مهمان دعوت می‌شوند. در چنین مواقعی رسم بر این است که از نماینده جامعه دینی مهمان درخواست می‌شود که دعای مناسب را از بر بخواند یا موعظه کند، اما مراسم مشترک باقی است.

۲. گردهمایی‌های بین‌دینی که به تناوب برگزار می‌شود. در چنین جلسه‌هایی، معمولاً نمایندگان هر جامعه دینی دعاها یا مطالب گزینش شده‌ای درباره یک موضوع مشترک را ارائه می‌کنند. حاضران در کنفرانس به گزیده‌هایی از مراسم که در آن تمایز و برجستگی هر دینی تصدیق می‌شود، گوش فرا می‌دهند، اما هر کس می‌تواند آزادانه مشارکت کند.

۳. اجتماعات بین‌دینی با یک شیوه عبادی مشترک. در چنین مواقعی همه حاضران مشارکت می‌کنند و یک موضوع عمده و فراگیر وجود دارد. احتمالاً از نماد وحدت‌بخشی نظیر روشن کردن شمع استفاده می‌کنند.

این مراسم، متنوع است و ویژگی‌های خاص خودشان را دارد. در مراسم نوع اول، یعنی هنگامی که پیروان یک دین، پیروان سایر ادیان را برای حضور در مراسم مخصوص خود دعوت می‌کنند، درصد تغییر آیین آنها بر نمی‌آیند، بلکه پای نوعی اعتراف آگاهانه به دوستی سنت‌های دینی دیگر در میان است. تکثرگرایان یهودی در چنین اجتماع و انجمنی کاملاً باید احساس راحتی کنند. به عبارت دیگر، دیدگاه پلورالیستی فرایند

یادگیری و مشارکت را ترغیب می‌کند. و مطلوب این است که مهمانان یهودی حاضر در مراسم عبادی جامعه دینی دیگر به ورود در تجربه دینی کسانی که دعا و نیایش می‌کنند، اهتمام ورزند. در این خصوص، کثرت‌گرای یهودی نباید احساس کند که ملزم به ازبرخواندن دعاها و خواندن سرودهای مذهبی کسانی است که دعاوی صدق آنان در تعارض با دعاوی صدق دین خودش است و با توجه به این‌که واقعیت را آن‌گونه که فی‌نفسه هست، نمی‌توان شناخت، ارائه صورت‌بندی‌ها و تقریرات متنوع از مراسم عبادی ادیان جهان را باید به عنوان برساخت‌های بشری‌ای شناخت که تلاش می‌کند تا ماهیت و فعالیت واقعیت الوهی را توصیف کند؛ یعنی آنها به عنوان نمونه‌ها و مدل‌هایی از الوهیت، مؤمنان را به سمت واقعیت غایی هدایت می‌کنند. از این منظر، تکثرت‌گرایان یهودی برای شرکت در مراسم عبادی مورد احترام مسیحیان، مسلمانان، بودایی‌ها، هندوها و سیک‌ها و نیز پیروان همه ادیان جهان هیچ تردیدی نخواهند کرد.

همین‌طور در نوع دوم مراسم عبادی، یعنی آن نوعی که نمایندگان جوامع دیگر به ترتیب قرائت می‌کنند، کثرت‌گرایان یهودی باید از فرصت پیش‌آمده برای مشارکت دیگران در مراسم عبادی خاص خودشان استقبال کنند و باید بدون احساس اکراه، در مراسم عبادی سنت‌های دیگر به هنگام مقتضی شرکت کنند. مطابق با دیدگاه پلورالیستی، چنین مراسم عبادی سلسله‌وار مبتنی بر احترام متقابل است و هر یک از جوامع دینی نقش عبادی یکسانی ایفا می‌کنند. معمولاً چنین اجتماعاتی به منظور اثبات این نکته تشکیل می‌شود که طبیعت بشری وجه اشتراک همه ادیان جهان است. به عنوان مثال، همین نکته مبنای روز جهانی دعا برای صلح در آسیای شرقی بوده است. پلورالیسم یهودی چنین ابتکاراتی را مغتنم شمرده و از آن حمایت می‌کند.

به نوع سوم مراسم عبادی، یعنی مراسم عبادی مشترک برمی‌گردیم. کثرت‌گرایان یهودی می‌توانند به این طریق باب دعای دسته‌جمعی با پیروان ادیان دیگر را بگشایند. در چنین شرایطی معمولاً از شرکت‌کنندگان دعوت می‌شود خدای سرمدی و یگانه یعنی مبنای غایی وجود همه تعالیم دینی و موضوعات عبادی را همچون سر الوهی پرستش کنند. این صورت از مراسم عبادی با الهیات‌های کثرت‌گرایانه‌ای که در آن واقعیت غایی به عنوان یک امر نامتناهی ناشناختنی تلقی می‌شود و کاملاً نمی‌توان آن را در دین خاصی بیان کرد، سازگاری قابل توجهی دارد. در مراسم عبادی‌ای از این نوع،

تمايز هر دينی پذيرفته می شود و هيچ تلاشی به منظور جايگزين کردن اين مراسم عبادی با دعا و نيايش جوامع دينی خاص صورت نمی گيرد. اما اين فرض ضمنی وجود دارد که پيروان همه ادیانی که در پيشگاه واقعيت غایبی سر تسليم فرود می آورند، اسامی متفاوتی به او می دهند. بنابراین نوع سوم عبادت با اصول پلوراليزم يهودی هماهنگ است؛ يعنی ادیان ديگر را تصدیق می کند و در همان حال به محدوديت تمام انسانها در مفهوم سازی از آن واقعيت غایبی اذعان می کند.

قلمرو دومی که کثرت گرایان يهودی می توانند در آن قلمرو به پيروان ادیان ديگر ملحق شوند، قلمرو جهانی تحقيقات الهیاتی است. در گذشته الهیدانان يهودی تأکید می کردند که يهوديت دين برتر است؛ حتی ليبرال ترين شمول گرایان معتقد بودند که در آینده تمام انسانها حقانيت يکتاپرستی يهودی را تصدیق خواهند کرد. الهیات يهودی به اين معنا در طول قرن ها ویژگی يهودی مدار داشته است. اما امروزه نظر به تنوع دينی جهان ديگر نمی توان اين نظريه را تأیید کرد، بلکه باید از نو تعريف کاملی از کارکرد الهیاتی ارائه شود. در جهان جديد متفکران يهودی باید اعتراف کنند که الهیات ديگر نمی تواند تنها در چارچوب یک سنت به شعایر دينی عمل کند. در وضعيت کنونی جهان، جست و جوی حقيقت دينی مستلزم اتخاذ رویکردی مبتنی بر گفت و گو است.

بنابراین، در آستانه ورود به قرن بیست و یکم يهوديت در شرف یک بيداری جديد قرار دارد. به دنبال قرن ها تسامح اکنون راه برای يهودیان باز است تا جهت گیری کامل دين يهوديت را در ارتباط با ساير سنت های دينی دوباره تقرير و تدوين کنند. با تغيير از شمول گرایی به تکثرگرایی ديگر لازم نیست ادیان ديگر از منظر يهودمحوری تفسير شوند، بلکه با قرار دادن خدا در مرکز جهان ادیان، يهوديت می تواند ذهنيت اجتناب ناپذير همه اعتقادات دينی را، از جمله عقایدی که در ميراث يهوديت وجود دارد، تصدیق کند. بنابراین، تکثرگرایی يهودی در صدد تصدیق اين نکته است که همه ادیان راه های جداگانه ای برای رسيدن به واقعيت الوهی برمی گزینند و حتی در نقطه اوج اين ارتفاع، واقعيت الوهی آنگونه که هست، فراتر از ادراک بشر است. آن امری ناشناخته و ورای ادراک بشر است.

کتابنامه

- Cohn-Sherbok, Dan. *Judaism and Other Faiths*. Basingstoke, 1994.
- Hartman David. "On the Possibilities of Religious Pluralism from a Jewish Point of View." In: *Immanuel*. 1983.
- Jacobs, Louis. *A Jewish Theology*. New York, 1973.
- Knitter, Paul. *No Other Name*. New York, 1985.
- Sotomon, Norman. *Judaism and World Religion*. London, 1992.

